



## ادله اثبات دعوی و امارات در حقوق مدنی

مریم رنجبر

حقوق خصوصی

### چکیده:

آدمی موجودی است اجتماعی و اجتماع در نهاد خود قافله‌ای را ماند که با شتابی فزاینده به پیش می‌تازد و هرگز ایستایی و توقف را نمی‌پذیرد. این انسان پویا حقوقی پویا می‌طلبد و به قوانین و احکامی نیازمند است که همگی کارها و رفتارها و روابط او و نظم و سامان بخشد و زندگی خوب و سالمی را برای خود و جامعه تأمین کند و می‌دانیم که اجرا و استقرار حق در مواقع بروز اختلاف بدون وجود دلیل ممکن نیست چرا که، دلیل به چیزی می‌گویند که چیزی را ثابت نماید و به عبارتی دلیل عبارت است از وسیله‌ی آشکار ساختن حقیقت. امری که مورد ادعای یکی از اصحاب دعوی و انکار دیگری باشد و امری که وجدان دادرس و قاضی را در اثبات ادعا قانع می‌سازد در علم حقوق اصطلاحاً دلیل نامیده می‌شود و بعضاً اتفاق می‌افتد که قاضی و دادرس برای کشف حقایق دسترسی به دلایل مبتنی بر استقراء تام ندارد.

سؤالاتی که مطرح می‌شود این است که آیا از باب قاعده‌ی «ما لا یدک کلها یترک کله» قاضی می‌تواند به امارت که مبتنی بر ظنون هستند و در نزد قاضی و دادرس امری معلوم برای شناخت قضیه‌ای نامعلوم مورد استفاده قرار گیرند؟ پاسخ این سؤال مثبت است، چرا که ظن و احتمال از حقوق حقوق دیرین بشر تاکنون در تکوین و استقرار امارت نقش مهم و اساسی داشته؛ و لذا سؤال دیگری پیرامون جایگاه امارت مطرح می‌گردد بدین مضمون که آیا امارت از ادله‌ی اثبات دعوی به‌شمار می‌آیند یا نه؟

کلمات کلیدی: ادله اثبات دعوی، امارات، حقوق ایران

امارات در حقوق ایران

قانون مدنی ایران به طور عمده از قواعد و احکام فقه اسلام تبعیت نموده است و در فهم و تفسیر مطالب آن قانون، کم یا بیش علاوه از منبع فقه، از ضوابط و قواعد علم اصول، اعم از مباحث الفاظ و مباحث ادله‌ی عقلیه (اصول علمیه) نیز همانند قواعد علم منطق، استفاده می‌شود.

اما باید گفت در مورد امارات و به طور کلی در ادله‌ی اثبات دعوی قضیه متفاوت است. قانون مدنی ایران در این قسمت، مانند بعضی قسمت‌های دیگر، تقریباً به طور کامل از حقوق اروپایی پیروی کرده و اقتباس کرده و به موازیت و مبانی امارات اسلامی کمتر توجه داشته است و مخصوصاً در امارات حقوقی هیچ‌گونه وجه اشتراک و شباهتی از لحاظ مبنی و موضوع و هدف با امارات اصولی وجود ندارد.

مبانی عقلی و فلسفی در امارات حقوقی ما و امارات اصولی و فقهی یکی است و آن اعتبار ظن و احتمال است. اصل خلاف‌پذیری امارات نیز ناشی از غیرقطعی و متزلزل بودن اعتبار ظن و احتمال است. از لحاظ اعتبار عقلی و روانشناسی و فلسفی ظن، نه تنها امارات حقوقی ایران بلکه امارات در حقوق اروپایی نیز با امارات اسلامی متحدالبناست. بعضی از قرائن و امارات فقهیه در اثبات موضوعات و در متون مدنی پیش‌بینی شده و حجیت و اعتبار یافته‌اند (مانند قاعده‌ی ید و امارات فروش) و برخی دیگر مانند شهادت و اقرار و قسم تأسیسات جداگانه و کاملاً مستقل و بیگانه‌ای از امارات هستند و به حکم قانون و در حدود آن معتبر شناخته شده‌اند و آنکه از لحاظ عنصر اعتقاد قاضی و کیفیت ظن او بر چگونگی امر وجه مشابهتی با امارات دارند.

امارات اصولیه مطلق در امارات حقوقی ما وجهی ندارد و نباید هم داشته باشد زیرا امارات اصولیه در استنباط احکام شرع مورد استفاده است و در اجرای منصوصات و مقررات قانونی، طبعاً نه به عنوان امارات اثبات دعوی و نه به عنوان دیگر قابل عمل است. با این همه شاید به اعتباری و تا حدی از نظر تشابه‌صوری بتوان در مقام تفسیر قضائی قوانین از حجیت ظواهر الفاظ و اعتبار لغوی و همچنین (اگر به تعبیر دشواری رای هیئت عمومی دیوان کشور، مخصوصاً رای اتباعی آن که طبق قانون وحدت رویه‌ی قضائی ۱۳۲۸ صادر می‌گردد، یک نوع اجماع تلقی شود). از اجماع گفتگو کرد و زمینه‌ی مشابه اعتبار ظن در باب انسداد را نیز به‌خصوص بنا به اعتبار عقلی آن به وجهی در قلمرو ماده ۳ قانون آئین دادرسی جستجو نمود. ولی شهره و خبر واحد یا آحاد را فقط در اثبات موضوعات ممکن است به اعتبار تحقیق محلی و شهادت با اماره‌ی قضائی تشبیه کرد.

## اهمیت دلیل و اثبات دعوی

برای استفاده از حق تنها وجود آن کافی نیست. ممکن است شخص حق داشته باشد و از آن استفاده کند و مشکلی هم پیش نیاید، ولی همیشه چنین نیست. حق مورد تجاوز قرار می‌گیرد، حق مورد انکار واقع می‌شود و نیاز به اثبات دارد. دلیل وسیله‌ی اثبات حق است و نداشتن دلیل اثبات، معادل نداشتن حق است؛ اگر حقی باشد ولی دلیلی برای اثبات آن نباشد مثل آن است که حق وجود ندارد. از طرف دیگر در اختیار داشتن دلیل به مفهوم وجود یک پرونده دعوی بالفعل نیست. کسی که ارثی را مطالبه می‌کند باید ثابت کند وارث است. کسی که ادعا می‌کند رابطه‌ی زوجیت بین او و دیگری وجود دراد یا طلاق واقع شده باید نکاح و طلق را اثبات کند. کسی که می‌خواهد ملکی را بفروشد باید دلیل مالکیت مالکیت ارائه دهد. کسی که می‌خواهد شناسنامه برای فرزندش بگیرد باید دلیل تولد طفل را به آمار بدهد پس

دلیل هم در مزاج قضایی برای اثبات دعوی به کار می‌آید و هم در بسیاری موارد که لازم است وجود حق نشان داده می‌شود.

دانشمندان خارج نیز به اقامه‌ی دلیل و اثبات حق اهمیت فوق‌العاده قائلند و استقرار حق و حتی وجود آن را جز به استلزام دلیل ممتنع می‌دانند چنانکه:

کلن و کاپیتان، بدون اثبات، احراز وجود یک حق و اجرای آن را غیرممکن می‌شناسند و معتقدند که با احتجاج و اقامه-ی دلیل باید قضیه‌ای ثابت و نتایج قضایی از آن منبث گردد و دلایل نیز عناصر به‌وجود آورنده‌ی اعتقاد هستند که طرفین در ارائه‌ی آن به دستگاه قضائی مجازند.

شعار حقوق رم *idem est non ant non probari* و عبارت معروف ایپهرینگ «دلیل بازدارنده‌ی حق است». همین معنی را در بردارد. در جای دیگر نیز دانشمندان خارجی اظهار می‌دارند که «یک حق، اگر به اثبات وجود آن موفق نشوند، بی‌ارزش است و همان شعار حقوق رم و عبارت ایپهرینگ را به یاد می‌آورند».

دکتر سلیمان مرقس در بیان اهمیت اثبات، سخن دقیق‌تری دارد، او می‌گوید «اگر صاحب حتی قارد به اثبات آن حق باشد به نفع او حکم داده می‌شود والا مزیت آن حق برای او ضایع می‌گردد؛ بلی «اثبات» رکنی از ارکان حق نیست چه حق به‌صورت قانون هنگامی که شرایط لازمه‌ی آن فراهم گردد، قطع نظر از وسیله‌ی اثبات آن، به‌وجود می‌آید اما از لحاظ عمل مبالغه نیست اگر گفته شود هر حقی مجرد از دلیل خود، در هنگام دعوی، همپایه‌ی عدم است».

### موارد امارات قانونی از نظر قانونگذار ایران

طبقه‌بندی امارات قانونی آنطور که در قانون مدنی فرانسه قید گردید، در قانون مدنی ایران دیده نمی‌شود بلکه در این مورد قانونگذار ایران رعایت اجمال و اختصار را نموده علت هم این است که قانونگذار ایران اماره را بجای فرض قانونی که از اصطلاحات حقوق فرانسه می‌باشد بکار برده و برای اینکه صریحاً از معنای اماره در شرع مقدس اسلام منحرف نشود مقتضی دید، پاره‌ای از مصادیق فرضی قانونی *presomptions legales* مانند مرور زمان و غیره را مسکوت بگذارد، مسئله اعتبار قضیه محکوم بها نیز که در حقوق فرانسه از مصادیق اماره قانونی است در قانون مدنی ما به سکوت برگزار شده و مدرک آن فعلاً در حقوق ایران شق ۴ از ماده ۱۹۸ آئین دادرسی مدنی است که از لحاظ حقوق شکلی *loi de forme* تنظیم گردیده و از نظر حقوق مادی *loi de fond* کافی نیست. ماده ۱۳۲۲ قانون مدنی ایران بشرحی که گفتیم موارد قانونی را بیان داشته و از نظر رفع اجمال قسمت اخیر ماده مزبور می‌توان گفت که موارد ماده ۱۰۲۰ قانون مدنی که عادتاً شخص غائب زنده فرض نمی‌شود باید در زمره عبارت غیر اینها و موارد امتناع از ابراز دفتر تجارتهی مذکور در ماده ۳۰۲ آئین دادرسی مدنی را باید در اعداد سایر امارات به حساب آورد.

ماده ۳۰۲ «هرگاه بازرگانی که به دفاتر او استناد شده است از ابراز دفاتر خود امتناع نماید و تلف یا عدم دسترسی به آن را هم نتواند ثابت کند دادگاه می‌تواند آن را از ادله مثبتة اظهار طرف قرار دهد».

### موارد امارات خلاف‌ناپذیر

امارات خلاف‌ناپذیر مانند امارات خلاف‌پذیر در هیچ یک از مؤلفات حقوقی ما احصاء نشده لکن در هر یک از آنها نمونه‌هایی بعنوان مثال یاد شده است. آقای دکتر متین دفتری به اعتبار قضیه محکوم بها بعنوان اماره مطلق تمثیل نموده و نوشته‌اند «بعضی امارات قانونی در حقوق ما نیز مانند حقوق کشورهای دیگر اطلاق دارند، از قبیل اعتبار قضیه محکوم بها...» و «احکام راجع به اعتبار قضیه محکوم بها و غیرد که مبتنی بر نظم عمومی است و از این لحاظ از قواعد مطلقه هستند...» در حقوق مدنی در مبحث امارات مطلق اعتبار قضیه محکوم بها را مورد بحث قرار داده شده است. و در ادامه همین بحث، تحت عنوان تبصره، از اماره فراش صحبت کرده‌اند و در نظر اول تصور بر این است که این اماره را نیز از امارات مطلقه شناخته‌اند، مسلم است که ایشان اماره فراش را مطلقاً نمی‌دانند، زیرا خود ایشان در مباحث اثبات نسب قانونی تحت عنوان اثبات خلاف اماره فراش نوشته‌اند «چنانکه از اطلاق ماده ۱۳۲۳ ق.م. مستفاد می‌گردد بوسیله هر دلیلی می‌توان خلاف اماره فراش را ثابت نمود.» و سپس به توصیف ادله اثبات خلاف آن اماره پرداخته‌اند. آقای دکتر شایگان نیز در کتاب خود دو امارد را بعنوان امارات خلاف‌ناپذیر مثال زده‌اند؛ یکی اماره عدم قابلیت ازدواج دختری که کمتر از ۱۳ سال یا پسری که کمتر از ۱۵ سال دارد (ماده ۱۴۰۱ ق.م.) و دیگری اماره صحت احکام قطعی. (اعتبار قضیه محکوم بها)

#### – امارات در قواعد حقوقی:

– امارات خلاف‌ناپذیری که تاکنون درباره آنها بحث شده است: در بحث از موارد امارات قانونی درباره خلاف-ناپذیری اماره مندرج در ماده ۴۱۲ قانون تجارت و ضمن بحث از امارات تقصیر و مسئولیت در خلاف‌ناپذیری اماره استثنائی تقصیر در تسبیب ضرر بوسیله حیوان و بواسطه عمل شخصی، مختصراً گفتگو کردیم و گفتیم که چطور پس از موارد خارج در هر یک از آنها، امارات مربوطه اثر قطعی و مطلق خود را بجای می‌گذارند.

#### ماهیت امارات قضائی

امارات قانونی، در قانون، براساس استقراء در موارد خارج استوار است و قاضی آنها مقدمه کبری قیاس و استدلال خود قرار می‌دهد و مورد دعوی را، که مقدمه صغری است، با آن تطبیق و حکم قضیه را صادر می‌کند. اما در امارات قضائی، که در قانون شناسانده نمی‌شود، هر دو عمل استقراء و قیاس بعهده قاضی است. قاضی بنابر اطلاعات و بصیرت و تجارب اجتماعی خود اصول و ضوابطی را در می‌یابد و اوضاع و احوال خاص قضیه را با آن اصول و ضوابط میسنجد و اماره‌ای بنفع این یا آن طرف دعوی بدست می‌آورد و به صحت ادعاء یا اظهار او اعتقاد پیدا می‌کند.

عمل استقراء قاضی با دریافت اصول عقلی و قواعد کلی امری است غالباً تدریجی که در اثر اطلاعات عمومی، اجتماعی، حقوقی و تجارب و مشاهدات و مسموعات مکرر و ممتد بدست می‌آید. و عمل قیاس قاضی، یعنی مقایسه خصوصیات دعوی با اصول و قواعد عقلی و منطقی و بالنتیجه اماره حقانیت یک طرف دعوی قرار دادن اوضاع و احوال قضیه، فعالیت است ذهنی و دماغی، قاضی عمل مشاهده و تطبیق و تصور و تصدیق را انجام و حکم ذهنی به صحت یا عدم صحت موضوعی می‌دهد. براساس این ملاحظات، یعنی آن استقراء و این قیاس است که قاضی، مثلاً می‌تواند فراهم آوردن مصالح ساختمانی را بر روی زمینی قرینه این بداند که فراهم آوردن مصالح قصد بناء در آن زمین دارد یا وجود سند طالبی را در دست بدهکار، در مواردی که طلبکار به دلائل دیگر می‌تواند در مقام ادعاء و مطالبه آن طلب برآید، قرینه پرداخت دین از جانب بدهکار بداند یا نامه‌ای متضمن تقاضای وام، را که مدعی به مدعی علیه نوشته است قرینه-

ای بر بدهکار نبودن مدعی علیه بشناسد، و همچنین در اثبات امور منفی مثلاً عدم حضور کسی را در تهران، در تاریخ معین، قرینه قویه‌ای بر عدم صحت سندی که تنظیم آن، در همان تاریخ در تهران، به او نسبت داده شده است تلقی کند.

مطلب دیگر این است که اماره قضائی نیز، چنانکه قبلاً گفتیم، براساس ظن و احتمال قرار دارد. قاضی در اماره قضائی، ولو با درجات مختلف از احتمال و یا وقت و ضعف ظن خود، قطع و یقین کامل به صحت و حقانیت دعوی نمی‌یابد. قاضی کم یا بیش خود را به کمک قرائن به حقیقت امر نزدیک می‌بیند و صحت ادعاء و اظهار طرفی را که قرائن به نفع اوست قویاً محتمل تشخیص می‌دهد.

این موضوع ظن و احتمال وجه مشترک امارات قانونی و قضائی است، با این تفاوت که در امارات قانونی، قانونگذار ظن و احتمال نوعی را ملاک و معتبر می‌داند و قاضی جز مقایسه حالات و کیفیات مورد دعوی به اماره قانونی و، در صورت انطباق، اجراء امارد کاری ندارد. اما در اماره قضائی نقش قاضی و قدرت ارزیابی او بارزتر و مهمتر است و ظن و احتمال و اعتقاد شخصی او در حکمی که کار بر اساس آن اماره می‌دهد اثر بیشتری دارد.

بعضی از حقوقدانان فرانسه، با ترجیح اصطلاحی که پوتیه در کتاب تعهدات خود بکار برده، امارات قضائی را، امارات ساده نامیده‌اند. از مجموع آنچه که گفته شد معلوم می‌گردد که قرائن مادی خارجی، که بدون تعلق و ارزیابی انسانی قدرت اثباتی ندارند، توأم با تعقل قاضی، اماره قضائی را می‌سازند. پس می‌توان گفت که ماهیت اماره قضائی ترکیب و تألیفی از دو عامل اوضاع و احوال خارجی و فعالیت ذهنی و دماغی قاضی است که حاصل آن احتمال و اعتقاد او به صحت امری است که در دعوی مورد بحث و اختلاف می‌باشد.

### نتیجه

امارات گاهی با سایر ادله اثبات دعوی حجیت مستقیم در مورد اختلاف دارند و نوعاً ایجاد اعتقاد بیشتری به شناسائی امر می‌کنند، بر اماره رجحان دارند مگر اماره مطلق و خلاف‌ناپذیر که معارضه با آن بوسیله دلائل دیگر ممکن نیست.

در حالت دیگر، امارات با اصول عملیه تعارض پیدا می‌کنند که در اینجا امارات بر اصول عملیه مرجحند، زیرا امارات قائم بر ظن و اصول عملیه قائم بر شک می‌باشند و بدیهی است ظن، مقام و منزلت بالاتری از شک دارد، و در مقام تعارض این دو، باید یا آنچه براساس ظن استوار است مقدم قرار گیرد.

و در صورت تعارض امارات با یکدیگر، امارات که ذاتاً یا به کمک مؤیدات خارجی اقوی شناخته می‌شود، معتبر است. در تعارض اماره قانونی و قضائی اماره قضائی، در قلمرو و اعتبار قانونی خود بر اماره قانونی مرجح است.

تعداد امارات قانونی زیاد نیست و در حقوق ما، که امارات را به پیروی از حقوق اروپائی دلیل اثبات دعوی قرار داده است. این تعداد کمتر است. البته امارات خلاف‌پذیر که طبیعت اصلی و شکنندگی آنها ظاهر است. به نسبت خیلی بیشتر از امارات خلاف‌ناپذیرند که استثناء و قانوناً آسیب‌پذیری طبیعی آنها نفی گردیده است.

در امارات قضائی، گرچه قلمرو و اعتبار آن را قانون محدود به حدود اعتبار شهادت نموده است. او دست قاضی در تشخیص و استنباط و ارزیابی بازتر است و به خلاف امارات قانونی که بر ظن نوعی استوارند و کلیت دارند مبتنی بر ظن شخص قاضی و فاقد کلیت و شرائط ثابت و واجد اختصاص در هر مورد و اصولاً غیرقابل احصاء و تقسیم‌بندی می‌باشند. در اماره قضائی استقراء موارد خارج و قیاس مورد دعوی به آن، هر دو، بعهدہ قاضی است.

گاهی از اوقات، اماره گفته می‌شود که از آن ظن معتبر یا ظن خاص اراده می‌شود. از این جهت که اماره سبب ظن است و ایجاد ظن می‌کند البته ظنی که شارع آن را معتبر و به رسمیت ناشناخته است اگر اماره را بگوئیم و ظن معتبر را اراده کنیم این از باب اطلاق سبب بر مسبب. و گاهی به عکس اطلاق می‌شود یعنی ظن را می‌گویند و اماره را اراده می‌کنند از باب اطلاق مسبب بر سبب.

به عبارت دیگر، اماره غالباً ایجاد ظن می‌کند یا برای غالب مردم ایجاد ظن می‌کند نه برای همه مردم و از این معنا تعبیر کرده‌اند به ظن نوعی و گفته‌اند که امارد نوعاً ایجاد ظن می‌کند اما باید توجه داشت که اماره وقتی از جانب شارع به رسمیت شناخته شده و حجت و معتبر تلقی شده است. اگر در یک موردی و برای شخص خاصی ایجاد ظن هم نکنند اعتبار و حجیت آن همچنان محفوظ است و نسبت به افرادی که ایجاد ظن نمیکنند نیز حجت و معتبر است (امارات حکمی خبر واحد، ظاهر کتاب، قول لفوی) چیزی که واجبست ما آن را بدانیم و در مورد امارات باید تحقیق کنیم این است که چرا امارات حجت معتبر هستند و آیا مستند اما اعلام است و دلیل قطعی وجود دارد. ابتدا گفته می‌شود امارات ادله ظنیه هستند و برای ما چنانکه گفتیم ایجاد ظن می‌کند و پیروی و تبعیت از ظن و عمل به ظن حرام و ممنوع است به دو دلیل: به دلیل آیات کریمه که بعضی از این آیات تبعیت و پیروی از ظن و عمل به آن را مورد مذمت و نکوهش قرار داده‌اند با این عبارت «ان الظن لا یغی من الحاق شیئاً» و در آیه‌ای دیگر آمده است که «ان یتبعون إلا الظن و ان هم لا یخرصون» بعضی آیات دلالت می‌کنند بر اینکه افتراء در مقابل اذن شارع است چنانکه فرمود «قل الله اذن لکم ام علی الله تفترون» بگو آیا خداوند به شما اذن داده یا افتراء می‌گویند چنانکه دیده می‌شود در آیه شریفه مورد اذن و مورد افتراء در مقابل یکدیگر قرار گرفته، بنابراین در هر مواردی که اذن نباشد حکم تقابل افتراء تلقی می‌شود. حال می‌گوئیم که اگر ما از طریق ظن بخواهیم حکمی را اثبات کنیم و حکم ظنی را به خداوند نسبت دهیم این مسلماً نمی‌تواند مورد اذن باشد بنابراین باید آن را افتراء تلقی کرد و به هر صورت عمل به ظن در احکام شرعی و التزام به آن از نوع افتراء است و حرام است.

در خصوص ضعف امارات از لحاظ ظنی و احتمالی بودن آنها باید گفت این ضعف را پیشرفت علم و وسعت بینش تجربی و واقع‌بینی حقوقدانان بتدریج و تا حد ممکن جبران می‌کند. چنانکه تاکنون در وضع امارات و دگرگونی قالب و محتوای آنها مانند سایر موضوعات و تأسیسات حقوقی، از بین بردن ضعف و نارسائی‌های موجود وجهه همت و تکاپوی دانشمندان حقوق و صاحب‌نظران قضائی، بخصوص آنها که در جامعه‌شناسی نیز بصیرتی داشته و دارند، بوده است. مسلماً هر قدر مبانی استقراء و تجربی امارات قویتر، دقیق‌تر و علمی‌تر باشد به همان نسبت ظن و احتمال مندرج در آن امارات به قطع و علم و یقین نزدیکتر می‌گردد.

اگر اصل را در دستگاه قضائی بر حمایت و معاضدت اجتماعی نسبت به افراد جامعه قرار دهیم، اگر قضات شریف، شیفته حقیقت و مشتاق تحقیقات علمی و حقوقی را در رسیدگی به دعاوی مردم و استنباط از اوضاع و احوال و کشف

حقیقت آزاد بگذاریم، پیشرفت‌های علمی، آیندهٔ بس روشنی را از رسیدگی‌های مدنی نوید می‌دهد. زیرا قاضی اگر در دعاوی جزائی با استفاده از فنون مختلف و علوم جنائی و توجه به شخصیت مجرم و اوضاع و احوال می‌تواند سیستم شخصی کردن عدالت جزائی و مجازات را تحقق بخشد، در دعاوی مدنی نیز خواهد توانست با بردباری از وسائل فنی و کارشناسی و علمی و اجتماعی و مطالعات قضائی لازم بدقت تمام و آزادانه خصوصیات هر دعوی و دلائل آن را بسنجد و با تحلیل و تألیف مجموع مدارک و اسناد و اوضاع و احوال در هر قضیه حکم کند و این حکم به حقیقت و عدالت نزدیک‌تر باشد و متقابلاً جامعه نیز باید به تعاون قضائی بیشتر گرایش یابد، دستگاه قضائی در دعاوی مدتی نیز عادل «بیطرف» نباشد و تحصیل دلیل و کوشش آزاد برای کشف حقیقت در دادگاه‌های مدنی هم امر پسندیده و مطلوبی بنظر می‌آید، امارات خود وسیله‌ای بشمار می‌روند که قانون و قاضی می‌توانند بدان وسیله از مردم در دعاوئی که دارند حمایت نمایند و از اینکه منافع و حقوق مردم قربانی جهل و ناتوانی آنها شود، جلوگیری کنند.

با قبول اینکه امارات همواره حدفاصلی با علم و یقین خواهند داشت و اگر یقین کامل حاصل شود دیگر بحثی از ظن و احتمال و اماره نخواهد بود، معتقدم که کمتر کردن فاصلهٔ ظن و احتمال با علم و یقین و نزدیک نمودن هرچه بیشتر امارات به حقایق و واقعیات خارجی هم ممکن و هم لازم است. واضعین امارات قانونی و قواعد حقوقی می‌توانند با توجه بیشتر به تجارب و پیشرفت‌های علمی و با استفاده از شیوه‌های تحقیق اجتماعی و نظایر آن، آن امارات و قواعد را به واقعیت‌ها و ضرورت‌های خارج نزدیکتر سازند. قضاة نیز، در امارات قضایی، ممکن است با ابتکار عمل و استفاده از وسائل علمی و فنی روزافزون و بررسی آزاد کم و کیف قضایا و اوضاع و خصوصیات امور، در کشف واقعیت موفق‌تر گردند. بدین طریق صاحبان دعاوی نیز نوعاً از حمایت بیشتر قانون و تحقیق کاملتر دستگاه قضائی در دلائل ارائه شده از طرف آنها و حقایق و واقعیات خارج، بطور کلی، راضی و خشنود می‌شوند.

#### منابع:

- صدرزاده افشار، سیدمحسن، ادله اثبات دعوی در حقوق ایران، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد سوم، شماره ۵۱۵: حقوق مدنی، جلد ششم، ص ۲۱۱ به بعد، دکتر سید حسن امامی.
- حقوق مدنی ایران، شماره ۲۵۰، دکتر شایگان،
- مدنی، سیدجلال‌الدین، ادله اثبات دعوی، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- ناصری فرج...، امارات در حقوق مدنی ایران، [پایان‌نامه دورهٔ دکتری حقوق خصوصی]، دانشگاه تهران، ۱۳۴۴ هـ.ش.
- مرقس، دکتر سلیمان، اصول الاثبات فی‌المواد المدینه، چاپ مصر، ۱۹۵۲ میلادی.